

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی

۰۴ جون ۲۰۱۲

ایران در هفته ای که گذشت

انتخاب هیأت رئیسه مجلس و موازنه گروه‌های رقیب

در هفته‌ای که گذشت، نهمین دوره مجلس ارتجاع اسلامی گشایش یافت. سران و مقامات کشوری و نظامی جمهوری اسلامی به روال دوره‌های پیشین در اجلاس افتتاحیه حضور یافتند و خامنه‌ای نیز رئیس دفتر خود را گسیل داشت تا پیام وی را به مرتجعین دوره جدید مجلس برساند.

خامنه‌ای در این پیام نگرانی خود را از کشمکش‌های درونی باندهای رژیم در شرایط بحران‌های متعدد داخلی و خارجی ابراز داشت و بار دیگر آن‌ها را دعوت به وحدت کرد.

او از نمایندگان مجلس فرمایشی‌اش که همگی خود را تابع و فرمان‌بردار ولی فقیه می‌دانند، خواست که "حُبّ و بغض‌های شخصی و گروهی" را "در موضع‌گیری‌هایی که فضای کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد، دخالت ندهند." خامنه‌ای خواستار همکاری آن‌ها با قوای دیگر و پرهیز از تقابل‌هایی گردید که "وجاهت چهره ملت ایران در چشم جهانیان در گرو آن است."

خامنه‌ای تاکنون از این توصیه‌ها به گروه‌های رقیب، فراوان داشته، اما هیچ‌گاه قادر نبوده و نخواهد بود با این توصیه‌ها و حتا دستورات و تهدیدها بر این کشمکش‌ها غلبه کند، چرا که آن‌ها برخاسته از تضادها و اختلافات است که سیستم سیاسی موجود پیوسته آن‌ها را باز تولید می‌کند و در نتیجه، بحران‌هایی که نظم موجود با آن‌ها روبه‌رو است، همواره تشدید می‌شوند.

وقتی که پس از گذشت ۳۳ سال از استقرار جمهوری اسلامی در ایران، تصفیه‌های مستمر درونی، به ویژه وقتی که دیگر تمام سران و مقامات جمهوری اسلامی، نهادها و گروه‌های وابسته به رژیم، خود را اصول‌گرا و تابع بی چون و چرای دیکتاتوری فردی ولی فقیه می‌دانند، باز هم خامنه‌ای ناگزیر است، مدام گروه‌های درونی را به اتحاد و دست برداشتن از اختلافات دعوت کند، نشانه حل ناپذیر بودن معضلی است که به جزء جدائی‌ناپذیر از جمهوری اسلامی تبدیل شده است.

در همین اجلاس، در پی دعوت خامنه‌ای به وحدت، احمدی‌نژاد سخنرانی کرد و پس از روضه‌خوانی‌های مرسومش در مورد "برپائی حکومت جهانی توحید و عدل" و ابراز نظرات نژادپرستانه و فاشیستی مبنی بر این که "ملت ایران بهترین ملت تاریخ و عالم است" تمام بحث خود را به اختلافات با مجلس اختصاص داد. او با اشاره ضمنی به اختلافات خود با مجلس دوره هشتم گفت: "نباید به هر بهانه‌ای قانون اساسی مورد خدشه قرار گیرد." احمدی‌نژاد پیش از این مکرر مجلسیان را متهم به قانون‌شکنی کرده بود و از آن‌ها به هیأت حل اختلاف شکایت کرده بود. اختلاف او بر سر نظارت نیز از موضوعات مورد اختلاف در این چند سال بوده است. او گفت: نظارت، نباید ابزار اعمال نظرات شخصی و دخالت در مسؤلیت‌های دیگران باشد. تلاش برای گرفتن اختیارات بیش‌تر و دخالت در امور دیگران به نفع کشور نخواهد بود. این فقط تخریب‌کننده است. در این‌جا نیز تمام مباحث وی به اختلافاتش با گروه‌های رقیب در مجلس بازمی‌گردد که مکرر آن‌ها را متهم کرده است در امور قوه مجریه دخالت می‌کنند. مرز خودشان را نمی‌شناسند و می‌کوشند اختیارات رئیس‌جمهور اسلامی را محدود کنند.

از همان نخستین جلسه مجلس دوره نهم، تلاش‌های گروه‌های رقیب علیه یکدیگر آغاز گردید و بر سر ریاست مجلس در مقابل یکدیگر صف‌آرایی کردند. در یک صف تمام گروه‌هایی که رقیب احمدی‌نژاد و دار و دسته طرفدار او هستند، قرار گرفتند که لاریجانی را در ریاست مجلس ابقاء کنند و در صف مقابل گروه‌های طرفدار احمدی‌نژاد و در رأس آن‌ها گروه موسوم به جبهه پایداری، حداد عادل را قرار دادند. سرانجام نیز لاریجانی با ۱۷۰ رأی در پست ریاست ابقاء شد. گرچه هیأت رئیسه کنونی ظاهراً موقت است، اما در واقعیت همین هیأت رئیسه ثابت است و حتا اگر چند رأی هم در جریان گزینش بعدی تغییر کند، اختلاف میان آرای دو طرف آن‌قدر زیاد است که منجر به تغییر در ترکیب هیأت رئیسه مجلس نخواهد شد.

جریان گزینش هیأت رئیسه نشان داد که توازن قوای طرفین در مجلس نهم نیز تقریباً شبیه مجلس هشتم است. طرفداران احمدی‌نژاد در مقابل گروه رقیب نمی‌توانند تأثیرات تعیین‌کننده‌ای بر مصوبات آتی داشته باشند. حداکثر آرای آن‌ها در حدود همین ۱۰۰ رأی کنونی است.

با این ترکیب پوشیده نیست که چیزی به نفع احمدی‌نژاد تغییر نکرده است و در این دوره یک سالی که هنوز در رأس قوه اجرائی قرار دارد، با محدودیت‌ها و نزاع‌های پیشین روبه‌رو است. اما محدود ماندن دامنه نزاع به آنچه که در گذشته وجود داشت، فقط در حالی ممکن است که احمدی‌نژاد دست به اقداماتی نزنند که اختلافات را تشدید کند. در واقعیت اما برای وی دشوار است که در چارچوب‌های تعیین شده توسط گروه‌های رقیب در مجلس حرکت کند. از هم اکنون اختلاف وی با مجلس بر سر بودجه سال ۹۱ که آن را طرح مجلس و نه بودجه دولت نامید، در عمل خود را نشان می‌دهد. اظهار نظر اخیر وزیر اقتصاد برای در ابهام گذاشتن اجرای مرحله دوم هدفمندسازی یارانه‌ها، نقطه تقابل جدیدی با گروه‌های رقیب در مجلس پدید آورده است. در عین حال احمدی‌نژاد می‌خواهد در این یک سال باقی‌مانده از دوران ریاست جمهوری‌اش، سیاست‌های مختص خود را پیش برد که به نطفه ستیز و درگیری مداوم تبدیل خواهد شد. جمهوری اسلامی در یک سال آینده خیمه‌شب‌بازی انتخاباتی ریاست جمهوری را در پیش دارد. باندهای درونی هیأت حاکمه هر یک تلاش می‌کنند، عنصری از میان باند خود را در رأس قوه اجرائی قرار دهند. دار و دسته احمدی‌نژاد می‌کوشند از امکانات دستگاه اجرائی به نفع خود استفاده کنند، لذا اختلاف و تضادهای اکثریت مجلس با آن‌ها تشدید خواهد شد. همین اختلافات در درون مجلس نیز بازتاب خواهد یافت و درگیری دو گروه اصلی رقیب را تشدید خواهد کرد.

از هر جهت که به مسأله نگاه شود، مجلس نهم نیز به یکی از کانون‌های اصلی درگیری و نزاع باندهای درون جمهوری اسلامی و منازعه با قوه اجرائی تبدیل خواهد شد. این درگیری‌ها به ویژه در یک سال آینده حادثتر از کشمکش‌های چند سال اخیر خواهد بود.

جمهوری اسلامی راه نجاتی از این اختلافات، تضادها و درگیری‌ها نخواهد داشت.

افشای‌گری‌های جدید در دادگاه فساد مالی

افشای‌گری‌هایی که در این هفته در جریان دادگاه اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی صورت گرفت، برای گروه دیگری از مقامات جمهوری اسلامی در دسرساز شد.

از همان نخستین روزی که این ماجرا برملا گردید، پوشیده نبود که اولاً یک فرد نمی‌تواند در کمتر از ۵ سال چندین هزار میلیارد تومان سرمایه و ثروت بیندوزد، بدون زد و بند با مقامات دولتی یک رژیم سیاسی فاسد و پرداخت رشوه‌های کلان. ثانیاً، افشای این ماجرا نتیجه رقابت و اختلافات درونی باندهای حکومت اسلامی است. کیفرخواست دادستان و دفاعیات متهمان و وکلای آن‌ها در جریان برپائی دادگاه، چیزی جز اثبات این دو جنبه واقعیت نبود.

در هفته‌ای که گذشت متهم ردیف اول این پرونده که گویا به اتمام جلسات پی برده است، و مقامات رژیم که هم‌دست وی در این اختلاس بوده‌اند، کاری برای نجات وی نکرده‌اند و ممکن است سر وی برای پایان دادن به ماجرا، به اتهام افساد فی‌الارض بالای دار برود، سکوت خود را شکست و افشای‌گری را آغاز کرد.

مه‌آفرید خسروی، سرمایه‌دار "گروه منصور آریا" متهم ردیف اول، به مسأله گشایش اعتبارات پرداخت و با طرح این سؤال که چرا "آن‌هائی که گشایش را انجام داده‌اند، این کار را کرده‌اند؟" اشاره کرد که "طرح یکسری مسایل از سطح این دادگاه بالاتر است و امکان طرح آن در این‌جا وجود ندارد. نام اشخاصی است که ممکن است مطرح کردن آن تبعاتی داشته باشد."

قاضی دادگاه در همان حال که سعی می‌کرد چنین وانمود کند که از نام بردن مقامات دولتی نگران نیست، اما به وی متذکر شد که در مورد گشایش‌ها و مستندات آن بگویند.

متهم اما، به رواج رشوت و فساد در دستگاه دولتی حکومت اسلامی پرداخت و گفت: "برخی از پول‌هائی که به مسؤولان داده می‌شد، اجباری و برای به راه افتادن کارهای مان بود. اگر پول نمی‌دادیم، سهمیه حاکم می‌شد. ۹ میلیارد که به آقای خ- الف معاون سابق وزیر صنایع داده شد، برای آن بود که سهمیه شمش فولاد ما را کم نکنند. متأسفانه معاونین صنایع آدم‌های سالمی نبودند و برای انجام دادن کارهای‌شان پول طلب می‌کردند. من نیز تحت فشار بودم باید کارها راه می‌افتاد. وقتی که آقای الف معاون بیمه و بانک وزیر اقتصاد و دارائی، از وزیر اقتصاد ۳۰۰ میلیارد تومان معرفی‌نامه گرفت تا من به بانک صنعت و معدن مراجعه کنم، تنها نیتش این بود که سهام‌دار بانک آریا شود. رئیس اعتبارات بانک صنعت و معدن جلوی اعتبارات ما را گرفت و دنبال گرفتن پول از ما بودند. آقای ش- ح، به دفتر من مراجعه کرد و گفت تا زمانی که یک میلیارد تومان به او ندهم، از دفتر من نمی‌رود. من در جلسه آینده اسامی را می‌گویم و مشخص می‌کنم که چه کسانی در این پروژه نقش داشته‌اند، مدیر عامل بانک ملی ایران که سه میلیون دلار رشوه گرفته است، با پروئی به من می‌گوید برای این که سقف اعتبارات را بالا ببریم، باید به من پول بدهید. خاوری را چه کسانی فراری داده‌اند؟ اگر تا جلسه بعد دادگاه پاسخ این سؤال داده نشود، خودم هم اطلاعات را افشاء خواهم کرد. آقای الف" رابط او در وزارت اطلاعات بود. "وی سپس می‌افزاید: "به رئیس

پیشین قوه قضائیه، رئیس بازرسی کل کشور، رؤسای کمیسیون‌های امنیت ملی و برنامه بودجه مجلس بارها گفته بودم که عده‌ای از من باج‌خواهی می‌کنند. در کشور فساد وجود دارد و آن‌ها فقط سرشان را تکان داده بودند. "البته وی نگفت که بروجردی رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس دروه قبل، خودش هم در این فساد مالی دست داشته، چیزی که قبلاً در مطبوعات افشاء شده بود.

وی سپس به این مسأله پرداخت که اقدامات وی بر طبق دستورات مقامات بالای دولتی انجام می‌گرفته است. "به من کسانی گفتند برو و گروه ملی را بخر. در تمام شهرها استانداران، نمایندگان مجلس و مدیر کل اطلاعات می‌دانستند که ما چه کاری انجام می‌دهیم. از من رسماً خواسته بودند که به بخش خصوصی ورود پیدا کنم و به دولت کمک کنم. کسانی که الان مثل موش پنهان شده‌اند باید جواب دهند. یکی از مسوولان که خودش را مشاور امنیتی تحریم عنوان کرد به من گفت برو خارج از کشور، شرکت تأسیس کن. محسن رضائی با من جلسه گذاشت که در مقابل تحریم‌ها کمک کنم، اما چرا حالا سهامت ندارد آن را بیان کند. یک میلیارد دلار برای تأسیس بانک آریا برای دور زدن تحریم در نظر گرفته شد."

قاضی دادگاه که دید، افشاءگری‌ها از نام بردن مقامات دولتی در این فساد هم فراتر رفته و جنبه امنیتی برای کل نظام پیدا کرده است، صحبت‌های وی را قطع کرد و گفت در مورد پرونده دفاع کنید و نه خارج از آن. اما متهم پاسخ داد: "من چگونه می‌توانم دفاع کنم وقتی کسانی که یک میلیارد دلار به من معرفی‌نامه داده‌اند تا بروم از برزیل گوشت وارد کنم، به خاطر جنگی که با یکدیگر داشتند، نتوانستند یک میلیارد ریال را هماهنگ کنند و امروز من باید جوابگو باشم." وکیل مدافع وی نیز گفت: "همه آلوده‌اند. من باورم نمی‌شود، بدون چراغ سبز از بالا ۲ هزار میلیارد گشایش اعتبار صورت گیرد."

متهم ردیف اول البته کلامی در مورد نقش دار و دسته وابسته به احمدی‌نژاد در واگذاری مؤسسات دولتی به وی، اعطای اعتبارات کلان چیزی نمی‌گوید. متهم ردیف دوم، اما خطاب به وی می‌گوید: "چرا اعتراف نمی‌کنی مهره بودی و چرا آقایان دولتی را معرفی نمی‌کنی. اعتراف کن و ما را خلاص کن." ایشان که گویا به گفته وکیلش از فرماندهان جبهه جنگ بوده است، به یک رشوت ۸ میلیارد تومانی، برای امور خیریه اعتراف می‌کند و وکیل او هم توضیح می‌دهد که او به عنوان مدیر عامل شرکت خدمات عمومی فولاد ایران بابت زحماتش این مبلغ را گرفته است و اشکالی هم ندارد، چون مدیر عامل، مالک پولش بوده و هر کاری دلش می‌خواست، می‌تواند بکند."

گرچه پیش از این نیز آشکار بود که ماجرای این اختلاس و فساد مالی بزرگ از درون اختلافات باندهای رژیم برملا شده است، اما در جلسه اخیر روشن شد که به خطر افتادن منافع باندهای که انحصار واردات گوشت را در دست دارد و از حمایت جهرمی مدیر عامل سابق بانک صادرات برخوردار بوده است، برای بر زمین زدن رقیب، یکی از عوامل مهم برملا شدن این اختلاس و فساد مالی بوده است.

متهم ردیف اول پرونده در این باره گفت کسانی که سهام بانک صادرات را به نازل‌ترین قیمت خریدند در کارها دخالت کردند. برادر مدیر عامل سابق بانک صادرات در کار تجارت گوشت بود. گوشتی را که قرار بود به میزان ۱۰۰ هزار تن وارد کشور کنیم و با قیمت ۸ هزار تومان به وزارت بازرگانی بفروشیم، جلویش را گرفتند. همه این‌ها برای این بود که به من ضربه وارد کنند. "البته تمام مسأله تنها به این مورد محدود نمی‌شود، بلکه این پرونده از درون نزاع دار و دسته احمدی‌نژاد و دار و دسته‌های رقیب او سر برآورد و علنی شد.

اکنون باید دید که در جلسه آتی دادگاه، آن‌گونه که متهم ردیف اول گفته است، اسامی و نقش کدام مقامات دولتی مطرح خواهد شد. اما مستثنا از افشاءگری‌های بیش‌تر بر سر این پرونده، پوشیده نیست که این فقط نمونه‌ای از

صدها و هزاران مورد دیگر است که هنوز برملا نشده‌اند. تمام سیستم موجود و مقامات آن فاسدند. دلیل آن هم آشکار است. در کشوری که اختناق و استبداد حاکم است، فساد مالی فراگیر، جزء لاینفک نظام سیاسی خواهد بود. در این نظام که موجودیت آن با سرکوب و اختناق حفظ می‌شود و مردم از هر گونه آزادی سیاسی محروم‌اند، بوروکراسی دولتی حتماً از کنترل و نظارتی که در دیگر کشورهای سرمایه‌داری وجود دارد، مصون است. در این‌جا هیچ کاری بدون رشوت از پیش نمی‌رود و اختلاس به امر دائمی مقامات دولتی تبدیل می‌گردد. بی دلیل نیست که جمهوری اسلامی در بالاترین نقطه رژیم‌های فاسد جهان قرار دارد. اما این فساد فقط از بابت استبداد حاکم نیست. مقامات دولتی با گذاشتن کلاه شرعی بر سر این فساد و رشوت، مشوق آن هستند. وقتی که خامنه‌ای در رأس جمهوری اسلامی می‌تواند این رشوت‌ها را به نام حق امام بگیرد، دیگر مقامات دولتی نیز راه‌های شرعی دیگری برای دزدی و فساد جست و جو می‌کنند. بنابراین تعجب‌آور نیست که در همین دادگاه فساد مالی بزرگ، بدون استثنای همه کسانی که رشوت‌های کلان میلیاردی دریافت کرده‌اند، گفتند که این پول را برای اختصاص به امر خیر گرفته‌اند. خنده‌آور هم نبود، وقتی که متهم ردیف دوم گفت: "یک بار هم که ما کار خیر انجام داده‌ایم این گونه با مشکل برخورد کردیم. همه در این پرونده پول‌هایی را که گرفته‌اند، اسمش را کار خیریه گذاشته‌اند، در حالی که در واقع پولی که مه‌آفرید به ما داده است، به واقع صرف امور خیریه شده است."

وقتی که رژیمی استبدادی، به علاوه اسلامی باشد، طبیعی است که فساد در گسترده‌ترین شکل آن باشد. اگر چیزی نظیر همین ماجرای گروه آریا در یک کشور سرمایه‌داری دیگر پیش می‌آمد، حداقل اتفاقی که می‌افتاد، سقوط کابینه بود و اگر مقاومت می‌کرد، مردم آن را سرنگون می‌کردند.

در ایران اما، پرونده‌هایی در این ابعاد نیز عادی است. نه فقط منجر به استعفاء و برکناری مقامات نمی‌گردد، بلکه متأسفانه از جانب مردم نیز با بی‌تفاوتی همراه است و برخورد قاطعی با آن صورت نمی‌گیرد. این فساد در ایران پابرجا می‌ماند، تا روزی که بالاخره کارگران و زحمتکشان به پا خیزند و بساط کلیت این نظام را جمع کنند.